

ادامه از صفحه اول

روحانی، پیروز انتخابات

آینده‌ قابلیاف تیره و مبهم است و بعید به نظر می‌رسد دیگر او در سمت‌های انتخابی جایی داشته باشد. مصطفی میرسلیم روی دیگر سکه‌ قابلیاف است. مردی که یک‌تنه توانست مردم را از طیف مؤتلفه‌ که جناحی تاریخی است، ناامید کند. او تعریف درستی از جایگاهش نداشت و به همین خاطر در میان اهل نظر، آرای میرسلیم حتی از هاشمی‌طبا هم کمتر است؛ اما او درست یا نادرست خود را رئیس‌جمهور آینده ایران می‌دید. باوری که تحقق آن، چنان دور از دسترس است که راه بحث و جدل در این زمینه را می‌بندد. میرسلیم با این باور مرزهای منطق و انصاف را زیر پا گذاشت. موضع‌گیری‌های او بیش از آنکه مبتنی بر واقعیات سیاسی باشد، نشئت‌گرفته از اعتمادبه‌نفسی کاذب بود؛ اعتمادبه‌نفسی که او را می‌داشت رئیس‌جمهوری را که هنوز آرای ۱۸ میلیون نفر را در سید خود دارد، به باد طعنه و انتقاد بگیرد. رویکردی که از عملکرد مؤتلفه بسیار بعید بود. اگر میرسلیم دوره ناموفق وزارتش در ارشاد را از یاد برده باشد، روشنفکران و نخبکان جامعه، آن دوران تلخ را هرگز از یاد نخواهند برد. آنچه میرسلیم از آن تخطی کرد فروتنی بود. فروتنی یکی دیگر از آموزه‌های اصولگرایان سستانی است که همواره خود را منتسب به نیروهای جبهه و جنگ دانسته‌اند. میرسلیم نماینده خوبی برای مؤتلفه نبود و اغراق‌آمیز نیست اگر بگوییم او تمام داشته‌های تاریخی این طیف را به ثمن بخش فروخت. اما رئیسی بیش از همه به گفتمان اصولگرایی آسیب زد. او نتوانست خودش را از جایگاهش در آستان قدس رها و به عنوان مدیری اجرایی مطرح کند. شاید روحانی می‌دانست که پاشنه‌اشیل رئیسی کجاست؛ چیزی که می‌تواند مخاطبان او را برانگیزاند تا در رأی‌دادن به او تردید کنند. ازاین‌رو روحانی بی‌پرده از اصولگرایی در برابر اصولگرایان دفاع کرد و یادآور شد که رابطه‌ی ام‌ها(ض) با مردم، رابطه‌ای دلی است نه سیاسی. اما زمانی کار از کار گذشت و اصولگرایی به ورطه بی‌باختگی پا گذاشت که رئیسی در جوار خوندن‌های زیرزمینی قرار گرفت که نقیض گفتارها و کردارهای قبلی‌اش بود. آنچه از این دیدار به حق یا ناحق به‌دست می‌آید، نگاهی ماکاولی به سیاست است که اصولگرایان همواره بی‌دلیل و بادلیل بر آن تاخته و تلاش کرده‌اند بگویند برای آنان هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. دیدار رئیسی با این خواننده، نقطه انقطاع اصولگرایان از اصولگرایی است که نشان می‌دهد آنان انسجام درونی‌شان را از دست داده و برای به چنگ‌آوردن قدرت و حفظ آن دست به هر کاری می‌زنند. اصولگرایان فارغ از نتیجه این انتخابات، دیگر به جایگاه قبلی خود باز نخواهند گشت. آنان بیش از هر چیز اعتماد و اعتقاد مؤمنان را به خود از دست داده‌اند. برعکس حسن روحانی که در این انتخابات دوباره متولد شد و شاید بتوان تاریخ تولد سیاسی او را اردیبهشت‌ماه ۹۶ دانست. مردی که به محافظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی شهرت داشت، نشان داد در هنگامه نبرد اهل مبارزه است و با هیچ ترفندی نمی‌توان او را از حامیان‌ش جدا و از میدان به در کرد. روحانی پای باورهای خود ایستاد و نشان داد برای به سرانجام‌رساندن ایده‌هایش شخت جدی است. مناظره‌ها و سخنرانی‌های حسن روحانی در دوران تبلیغات انتخابات اخیر از او چهره‌ای متفاوت خلق کرد؛ چهره‌ای که مردم توانستند به او باور داشته باشند و تکیه کنند؛ و این دستاورد کمی نیست. ازاین‌رو حسن روحانی قبل از شمشارش آرا پیروز این میدان است. اینک اصلاح‌طلبان و مردم چهره‌ای دیگر در کنار خود دارند که می‌توانند از طریق او مطالبات‌شان را پیگیری کنند.

این مسئله سبب شده از انحصار اطلاع‌رسانی صداوسیما کاسته شود و شبکه‌های اجتماعی بخشی از کسری صداوسیما را جبران کنند. به نظر من آقای روحانی با توجه به افزایش احتمالی آرا نسبت به انتخابات دور اول، رئیس‌جمهور نیرومندی خواهد شد. مجلس هم همراه دولت است و می‌توان دولت نیرومندی تشکیل داد. این مسئله حتما حل مشکلات مردم را تسریع خواهد کرد. با حضور ارزشمند مردم، هر اقدامی در دولت برای مردم صورت بگیرد، کم است.

با روحانی خواهیم ماند.

این یک حسن بزرگ است که با وجود محدودیت‌ها، تنها راه تغییرات اساسی تاکنون از راه انتخابات دنبال شده است و کشورهایی که به این موضوع بی‌تفاوت بودند از هیچ دستاوردی بهره‌مند نشده‌اند. شعار به عقب باز نمی‌گردیم، دیروز معنا شد چراکه تا نیمه راه آمده‌ایم و تا انتها با روحانی خواهیم ماند.

شرق؛ فارغ از آنکه ریاست دولت دوازدهم بر عهده چه کسی باشد، چه اولویت‌هایی را باید در دستور کار قرار دهد؟ اکنون کشور درگیر چه مسائلی است که گریبان‌گیر اقتصاد شده و پای آن را در بند کرده است؟ این موضوعی است که اقتصاددانان در گفت‌وگو با «شرق» آن را بررسی می‌کنند. عمده مسائلی که وجه مشترک تحلیل‌های کارشناسی

اصلاحات ساختاری اقتصاد، اولویت دولت دوازدهم

دولت دوازدهم به محض روی‌کارآمدن باید اصلاح ساختار اقتصادی در تمامی ابعاد را در دستور کار قرار دهد و اقتصاد را به سمت یک اقتصاد مزیت رقابتی و تخصصی سوق دهد. به این معنا که بتوانیم با کالاهای خارجی که قصد ورود به اقتصاد ایران را دارند، رقابت کنیم و کالاهایمان دارای کیفیت و قیمت مناسب برای رقابت باشد و در بازارهای خارجی هم بتواند به فروش برسد. در حقیقت اگر بتوانیم به این سمت‌وسو پیش برویم، قطعاً تمام واحدهای تولیدی کشور راه‌اندازی و اشتغال ایجاد می‌شود. به‌واسطه این اقدام، فقر هم از کشور برچیده می‌شود. البته این یک اصول کلی است و در این راه، دولت باید از فضاهایی که امکان‌پذیری بیشتری دارند، بهره بگیرد. یکی از این فضاها، صنعت گردشگری و توریسم است. راه آغاز می‌تواند این بخش باشد و پس از آن وارد بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات شویم که دارای ظرفیت‌های مناسبی برای رشد اقتصادی رقابتی هستند.

درهرحال دولت‌مردان باید تلاش کنند تا اقتصاد کشور معطوف به سود شود، زیرا اقتصاد ایران سال‌هاست معطوف به ضرر حرکت می‌کند و باید به فکر تغییر این روند باشیم. سوددهی اقتصاد در تمامی بخش‌ها هم به رقابت در بخش‌های مختلف برمی‌گردد. در اینجا باید فراموش شود، فساد به‌عنوان یک معضل ریشه‌دار در کشور، ریشه در اقتصاد غیررقابتی و انحصار و رانت و عدم شفافیت دارد. وقتی رقابت به‌صورت واقعی برقرار

گریزی جز حل فساد نیست

موضوع دیگری که باید در اولویت‌های اقتصادی کابینه بعدی قرار بگیرد، انضباط بودجه است. من فکر می‌کنم منابع بودجه به شکلی دقیق به نیازهای کشور تخصیص داده نمی‌شود. در واقع می‌توان هزینه‌های بسیاری را از این بودجه کاهش داد. اینها باید بازبینی شود تا هزینه‌های اضافه و زائد از بودجه برداشته شود. در واقع باید شیوه‌های بودجه‌ریزی به گونه‌ای بازبینی شود که تفاوت بین هزینه‌های دولت و درآمدهای مالیاتی به حداقل برسد. دیگر نکته‌ای که دولت باید در رأس برنامه‌های اقتصادی خودش قرار دهد، سروسامان‌دادن بدهی‌های دولت است. بدهی‌ها دولت را فلج می‌کند و از سوی دیگر بخش‌هایی که طلب دارند را هم دچار اختلال کارکرد می‌کند. قاعده‌مندکردن حوزه مالی می‌تواند به همین‌خود به حل این مشکل کمک کند. در همین حال اولویت بعدی به گمان من احیای سازمان مدیریتی است که در سال‌های دولت آقای احمدی‌نژاد به ریشه‌اش تیشه زده شد و در چهار سال دولت یازدهم هم نحیف ماند. گام دیگر سروسامان‌دادن به نظام مالیاتی است. فشار زیادی امروز روی بخش تولید است، آن بخش‌هایی که درآمد مناسب‌تر دارند، در عمل مالیات مناسب نمی‌دهند؛ در مقابل تولید ناچار است این هزینه را پرداخت کند.

پس به گمان من به شکل کلی در سه حوزه دولت دوازدهم، باید گام‌های جدی بردارد. نخست موضوع مبارزه با فساد و بهبود فضای کسب‌وکار است. دیگر موضوع سروسامان‌دادن و اصلاح نظام بانکی است که در نهایت احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به شکلی دقیق و کارا. این سازمان می‌تواند هزینه‌ها و درآمدهای دولت را سر و سامان دهد.

اقتصاد

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» اولویت‌های رئیس‌جمهور آینده را تعیین کردند

چاله‌های اقتصادی

آنهاست، اصلاح ساختار اقتصادی کشور در حوزه‌های گوناگون است. آنها معتقدند دولت دوازدهم باید بازتعریفی برای حوزه‌های مهم اقتصاد داشته باشد و شجاعانه برای ایجاد تغییرات در آن گام بردارد. اصلاح فضای کسب‌وکار و دوری از اقتصاد غیررقابتی که حاصلش فساد ساختاری اقتصاد ایران است، فصل مشترک کلام آنهاست.

شود و عواملی را که مخدوش‌کننده رقابت هستند از میان برمی‌دارید، در نهایت به‌سوی یک اقتصاد سالم گام برمی‌دارید و فساد از اقتصاد رخت برمی‌بندد. از سویی آنچه به‌عنوان رابطه مستقیم تورم با اشتغال مطرح می‌شود، در اقتصاد ایران به‌واسطه اینکه بر اقتصاد نفتی استوار هستیم، پاسخ‌گو نیست. در بررسی رشد اقتصادی، رشد اقتصادی حاصل از فروش نفت، با رشد اقتصادی حاصل از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. بنابراین باید اقتصادی را شکل دهیم که در فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و درآمد حاصل از آن، در تولید ناخالص داخلی رسوب کند.

این نکته را هم باید مدنظر داشته باشیم که با توجه به حضور ایران در منطقه‌ای بحران‌زده، حفظ امنیت کشور بسیار حیاتی است. بنابراین باید تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور در راهی پیش رود که امنیت کشور را تضمین کند. در حقیقت، وقتی روابط بین‌الملل را اصلاح می‌کنید و روابط دولت با دولت‌های دیگر را در حالت منطقی قرار می‌دهید و اساس کار را بر حفظ منافع ملی جست‌وجو می‌کنید، این امکان را فراهم می‌آورد که کالاهای ایرانی به کشورهای دیگر رهمسایر شود و درمقابل، واردات کالاهای مرغوب به کشور انجام گیرد. افزایش واردات و صادرات با موازنه مثبت در تراز تجاری ایران، می‌تواند شرایطی را فراهم کند که به سبب توسعه و گسترش روابط اقتصادی و اجتماعی، نوعی امنیت ضمنی در کشور حاصل شود. این نکته را نباید فراموش کرد که اصولاً ایران نیازی به درگیری و دعوا با کشورهای دیگر ندارد. دولت‌مردان باید براساس منافع ملی کشور گام بردارند و اقتصادی را شکل دهند که مردم در آن با احساس رفاه مواجه شوند.

آنهاست، اصلاح ساختار اقتصادی کشور در حوزه‌های گوناگون است. آنها معتقدند دولت دوازدهم باید بازتعریفی برای حوزه‌های مهم اقتصاد داشته باشد و شجاعانه برای ایجاد تغییرات در آن گام بردارد. اصلاح فضای کسب‌وکار و دوری از اقتصاد غیررقابتی که حاصلش فساد ساختاری اقتصاد ایران است، فصل مشترک کلام آنهاست.

شود و عواملی را که مخدوش‌کننده رقابت هستند از میان برمی‌دارید، در نهایت به‌سوی یک اقتصاد سالم گام برمی‌دارید و فساد از اقتصاد رخت برمی‌بندد. از سویی آنچه به‌عنوان رابطه مستقیم تورم با اشتغال مطرح می‌شود، در اقتصاد ایران به‌واسطه اینکه بر اقتصاد نفتی استوار هستیم، پاسخ‌گو نیست. در بررسی رشد اقتصادی، رشد اقتصادی حاصل از فروش نفت، با رشد اقتصادی حاصل از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی متفاوت است. بنابراین باید اقتصادی را شکل دهیم که در فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و درآمد حاصل از آن، در تولید ناخالص داخلی رسوب کند.

یکی از مسائلی که دولت آتی باید آن را حل کند، اشتغال‌زایی است که در این زمینه یک بدفهمی در کشور وجود دارد. اینکه کارخانه‌ای با مزیت اندک و هزینه بالا را صرفاً با بهانه حفظ اشتغال موجود در آن، سر پا نگه داریم، مانعی برای ایجاد اشتغال خواهد بود. این اقدام، علائنگه‌داشتن یکسری خرابه‌ای است. صنعت و کشاورزی کشور نیمه‌خرابه است و نیاز به اصلاح دارد، نه اینکه لزوماً این خرابه‌ها را حفظ کنیم؛ بنابراین دولت و مردم باید بی‌پذیرند، ۳۷ سال است صنعت کشور، ماشین‌آلات کهنه قبل از انقلاب را دارد و روش‌های کشاورزی کشور هم همان روش‌های کهنه قدیمی است. کشور باید در هر دو زمینه مدرن شود. برای مدرن‌شدن بخش صنعت و کشاورزی، نیازمند بازتعریف این دو بخش هستیم تا تولید کالایی صورت بگیرد که این‌کالا، بتواند قابل صدور و عرضه در جهان باشد. نباید مدام بگوییم چرا قاچاقی به کشور رخ می‌دهد؟ واضح است، وقتی کالای بی‌کیفیت در کشور تولید می‌شود، تقاضا برای کالای مرغوب خارجی ایجاد می‌شود و این‌کالا که راه خود را در قاچاق می‌یابد. باید برنامه‌ای تدوین کنیم که وارد فضای مدرن اقتصاد جهانی شویم. به عقیده من، دولت کنونی این قابلیت را دارد که این روند را اصلاح کند. هرکسی هم که در رأس دولت باشد، اول باید به این فهم برسد که اکنون اقتصاد کشور نیازمند بازتعریف و تغییر است. این دولت با کمی تغییرات در کابینه، می‌تواند به دولتی جایک تبدیل شود، البته این در صورتی میسر است

حل کره نظام بانکی و مالی، رسیدگی به صندوق‌های بازنشستگی، بازتعریف چگونگی ایجاد اشتغال البته نه از رهگذر حفظ صنایع موجود، اصلاح طرح هدفمندی یارانه‌ها و... با درنظرگرفتن تنگناهایی چون محیط‌زیست، آلودگی هوا و اتمام سفره‌های زیرزمینی آب و... از جمله راهکارهایی است که این کارشناسان ارائه می‌دهند.

لزومی به نگهداری خرابه‌ها نیست

که سایر نهاده‌ا و ارگان‌ها هم با دولت همکاری کنند. نترسیم که بیکاره اگر خرابه‌های اقتصاد را رها کردیم، عده‌ای بی‌گاری می‌شوند. این ترس، نمی‌گذارد دومرتبه اقتصاد را بازسازی کنیم.

باید توجه داشت که اصلاحات ساختاری از این دست باید با روشی انجام گیرد که تورم را افزایش ندهد؛ زیرا تورم ام‌الامراض اقتصاد است. تورم بالا نمی‌گذارد هیچ اقدامی در راستای اصلاح اقتصادی صورت بگیرد. تورم باید همچنان کنترل شده و حتی به زیر پنج درصد کاهش یابد. باید ثبات شاخص‌های کلان را بتوانیم همچنان که در این دولت در یکی، دو سال اخیر حفظ شد، حفظ کنیم. همچنین نیازمند ایجاد اقتصاد رقابتی هستیم؛ زیرا اقتصاد رقابتی است که کشور را در مقابل توطئه خارج از کشور، مقاوم می‌کند، نه درون‌گرایی و نه آنکه دروازه‌ها را تا جایی که می‌توانیم ببندیم. مهم‌ترین نکته این اقدام آن است که سرمایه‌های داخلی اجازه نمی‌دهد این تغییرات اعمال شود. اکنون باید در نظر داشت اکنون نمی‌توان پول نفت را هم به سرمایه‌گذاری اختصاص داد؛ زیرا بدنه دولت آن‌قدر بزرگ و تنبل است که منافع نفتی صرفاً برای تغذیه آن، صرف شود. اگر این دولت فربه نبود، می‌توانستیم پول نفت را صرف سرمایه‌گذاری کنیم، اما چنین اقدامی میسر نیست. حالا، وقتی دست کشور برای سرمایه‌گذاری بسته است، باید لاقال راه را با کنیم تا سرمایه‌های خارجی وارد کشور شود. باید روابط بین‌المللی خود را هم بازتعریف کنیم. استقلال آن نیست که با کشورهای دیگر رابطه نداشته باشیم، استقلال آن است که بتوانیم برای حفظ منافع ملی خود، تصمیم‌گیری کنیم. اکنون دولت برای حفظ منافع ملی خود، توان کافی دارد. چرا آن‌قدر نگران هستیم و می‌ترسیم؟

۶ مطالبه اساسی از رئیس‌جمهور

اینها نمی‌توانند وارد بازار کار اقتصاد سستانی ایران شوند. به‌رهبری این اقتصاد نازل است، باید و باید با یک تغییر نگرش صحیح، بسترهای الزام‌ها، ساختارها و قوانین به سوی اقتصاد دانش‌پایه چرخش داشته باشد. اگر ایران نتواند از تنگنای اصلاح نظام بانکی خارج شود، نمی‌تواند اقتصادش را سیریا کند؛ هزارو ۲۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی کشور که ۹۰ درصد آن در بانک‌ها متمرکز است و حدود ۴۰ تا ۵۰ درصدش در بخش‌های مختلف بلوکه شده است، نشان می‌دهد اگر فکری به حال آن نشود، نمی‌توانیم اقتصاد را سیریا کنیم. بحران آب و محیط زریست در پنج سال آینده بزرگ‌ترین معضل را برای توسعه روستایی و توسعه بخش کشاورزی ایران پدید خواهد آورد. دقت کنید در کشوری مانند آمریکا حفاظت از منابع آبی به دست وزارت دفاع این کشور است. اهمیت آب را از همین رهگذر می‌توان دریافت. تجربه صندوق‌های بازنشستگی هم نشان می‌دهد که اینها متأسفانه به حیاط‌خلوت سیاسی دولت‌ها تبدیل شده‌اند. مدیریت ناکارآمد، نداشتن نگرش کلان به نظام اداری و... باعث شده تا بیش از ۷۰ درصد منابع صندوق‌ها از سوی دولت‌ها اداره شود. این موضوع به‌زودی باعث می‌شود هزینه کلان دادن حقوق کارمندان بازنشسته، روی دوش دولت بیفتد؛ از همین‌رو باید فکری به حال اینها کرد. غیراین‌صورت آنها به آسانی ضربه‌هایی جدی به دولت خواهند زد. آخرین موضوع هم اصلاح شیوه پرداخت یارانه‌های نقدی است. اینها سالی ۴۲ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های دولت را می‌بلعند؛ درحالی‌که در دو یا سه سال گذشته پرداخت دولت برای بودجه عمرانی زیر ۲۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این موضوع یعنی حجم عظیم منابع در اقتصاد ایران درگیر موضوع بی‌هدفی شده است که در عمل تنها بار منفی برای اقتصاد دارد. دولت باید هر چه سریع‌تر فکری برای اینها کند.

گذر

ادعای کذب درباره مطالبات شهرداری از دولت

● مرکز روابطعمومی و اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی به ادعای غیرواقعی یکی از خبرگزاری‌های کشور درباره مطالبات شهرداری تهران از دولت واکنش نشان داد.

به گزارش روابطعمومی وزارت دارایی، به منظور تنویر افکار عمومی موارد ذیل درخصوص مطالبات اعلام‌شده از سوی شهرداری تهران اعلام می‌شود:

۱- در گزارش مورد استناد شهرداری تهران برای ادعای طلب از دولت، گزارش مطالبات شهرداری تهران از دولت بنابر اذعان مؤسسه تهیه‌کننده، هیچ‌گونه حسابرسی و یا بررسی اجمالی هم صورت نگرفته است. در بند پایانی گزارش مذکور عنوان شده است این مؤسسه نیز درباره مطالبات شهرداری تهران از دولت به تاریخ شهریور ۱۳۹۴ اظهار نظر نمی‌کند و نباید از گزارش برای ارائه به سایرین استفاده شود که با وجود این موضوع بخش‌هایی از این گزارش منتشر شده است.

۲- عمده مطالبات اعلام‌شده از سوی شهرداری تهران، شامل مواردی است که دولت تکلیف قانونی برای پرداخت آنها نداشته و صرفاً در صورت تصویب اعتبار لازم، در بودجه سالانه و تأمین و تخصیص منابع، قابلیت پرداخت داشته است. در ضمن شامل موارد و موضوعات متفاوتی است که تاریخ ایجاد آنها از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۴ است؛ نظیر موضوع یک میلیارد دلار حساب ذخیره ارزی.

۳- گزارش فوق‌الذکر مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۸ شورای اسلامی شهر تهران، به وزارت اموراقتصادی و دارایی ارسال شده است که نتیجه بررسی در نامه مورخ ۱۳۹۵/۱/۷ به شورای مذکور اعلام شده است و شهرداری تهران، فرصت کافی برای ارسال اطلاعات دقیق‌تر و اخذ تأییدیه لازم را داشته که اقدام نکرده است.

۴- در نامه ارسالی به شورای اسلامی شهر تهران، بر لزوم بررسی لازم و کافی در مورد مسائلی چون ماهیت دستگاه اجرایی بدهکار (دولتی و یا غیردولتی‌بودن) و منشأ و مبنای قانونی ارقام اعلامی تأکید شده است. به عنوان مثال مطالبات شهرداری تهران از سازمان تأمین اجتماعی و بانک تجارت در قالب سرفصل حسابی مطالبات از دولت طبقه‌بندی شده است؛ درحالی‌که سازمان تأمین اجتماعی نهاد عمومی غیردولتی تلقی می‌شود و بانک تجارت نیز در زمره بانک‌های خصوصی است.

۵- براساس آیین‌نامه اجرایی ماده (۱) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، بدهی‌ها و مطالبات دولت پس از تأیید سازمان حسابرسی قطعی تلقی می‌شود که تا تاریخ تهیه این گزارش، تأییدیه‌اشداشته از سوی شهرداری تهران ارائه نشده است. ۶- شهرداری تهران نیز به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی موظف است براساس برنامه زمان‌بندی و ترتیبات مقرر در بخش‌نامه‌های این وزارتخانه گزارش بدهی‌ها و مطالبات خود را از کلیه اشخاص از جمله دولت و شرکت‌های دولتی در مقاطع سه‌ماهه اعلام کند که تاکنون و برخلاف سایر دستگاه‌های اجرایی، هیچ‌گونه گزارشی را بر اساس ترتیبات مقرر در بخش‌نامه‌های موضوع آیین‌نامه فوق‌الذکر ارسال نکرده است و به حال، حاضر هیچ‌گونه گزارشی وضعیتی مجموعه مطالبات و بدهی‌های خود به عنوان یکی از نهاد‌های عمومی نشده است. اضافه می‌کند تعداد قابل توجهی از شهرداری‌ها و سایر نهادهای عمومی، نظیر سازمان تأمین اجتماعی بدهی خود را اعلام کرده‌اند.

۷- اعتبارات بودجه عمومی، متعلق به عموم کشور و بیت‌المال کشور است و تأمین و پرداخت اعتبارات در وجه دستگاه‌های اجرایی، از هر محلی، از جمله صکوک اجاره، به موجب قانون و با طی مراحل قانونی قابل انجام است و آنچه از شهرداری تهران خواسته شده است، همان است که سایر نهادهای عمومی مشابه نیز مکلف به انجام آن هستند، بنابراین شهرداری تهران نباید خود را تافته جدا بافته تلقی کند.

۸- برخلاف ادعای برنامه نداشتن برای تسویه بدهی شهرداری تهران و سایر نهاده‌ا، وزارت اموراقتصادی و دارایی در سال گذشته براساس قانون بودجه، دوهزارو ۵۰۰ میلیارد تومان اسناد خزانه صرفاً برای تسویه بدهی دولت به شهرداری‌های سراسر کشور منتشر و در اختیار استان‌های مختلف برای تخصیص به شهرداری‌ها قرار داده است.

علاوه بر این بیش از هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان اوراق تسویه خزانه برای تها‌ت بدهی‌های دولت با مطالبات دولت صادر شده است که اتفاقاً عمده آن صرف نهادهای عمومی غیردولتی شده است. شهرداری تهران بهتر است به جای تشویش اذهان عمومی، با تجهیز بخش مالی و ایجاد شفافیت در امور مالی خود، مانند سایر اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی و سایر نهادهای عمومی، از ظرفیت‌های قانونی برای تأمین منابع مورد نیاز خود استفاده کند.

خبر

شرکت با شرکت‌های ریلی معتبر جهان اظهار کرد: نوسازی ناوگان ریلی بن‌ریل همواره در دستور کار ما قرار دارد و اکنون عمر متوسط واگن‌های مسافری این شرکت به حدود ۱۱ سال رسیده است.

خدمات ارسال پیامک انبوه طبق روال گذشته انجام می‌گیرد
ایرنا؛ رئیس مرکز روابط‌عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تأکید کرد: تصمیم دولت مبنی بر منع ارسال پیامک انبوه تبلیغات انتخاباتی بوده است و هیچ ارتباطی با ارسال پیامک از سوی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات پیامک انبوه به مؤسسات و مشتریان‌شان ندارد.
محمدرضا فریقی‌زاد گفت: براساس قانون انجام تبلیغات انتخاباتی از یک روز قبل از انتخابات ممنوع است و تصمیم گرفته‌شده در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز ارسال‌نکردن پیامک‌های انبوه تبلیغات انتخاباتی بوده و ارسال پیامک از سوی مردم به‌هیچ‌وجه مختل نشده است.
او افزود: مسدودکردن پیامک‌های انبوه تبلیغاتی در تمام انتخابات انجام می‌شده است و مبتنی بر تصمیم



محمد مهدی بهکیش

دبیرکل کمیته ایرانی

اتاق بازرگانی بین‌المللی



وحید شفاق‌ی شهری

اقتصاددان

شاید پیش از آنکه کابینه دولت دوازدهم سر کار بیاید، پرداختن به الزام‌هایی که باید در چهار سال آینده به آنها توجه شود، ضروری باشد. به شکلی خلاصه شش محوری که در بی می‌آید، به گمان من مهم‌ترین الزام‌هایی است که باید به آنها پرداخته شود.

الف) توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط.
پ) استقرار اقتصاد دانش‌پایه و تغییر ریل اقتصاد.
ژ) اصلاح نظام بانکی و نظام مالی.

تأکید مؤکد بر محیط زیست، آلودگی هوا و اتمام سفره‌های زیرزمینی آب.

ک) سروسامان‌دادن به صندوق‌های بازنشستگی.
و) اصلاح طرح هدفمندی یارانه‌ها.
اگر به‌شکلی خلاصه بخواهیم به این‌ها محور‌ها بپردازیم باید گفت، توسعه کسب‌وکارهای کوچک می‌تواند در راستای نیاز کشور برای ایجاد حداقل یک میلیون شغل نقشی مهم بازی کند. اکنون مهم‌ترین معضل اقتصاد ایران، رکود است؛ از رهگذر پرداختن به ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط، نه‌تنها معضل بی‌کاری حل خواهد شد، بلکه از همین مسیر نرخ رشد هم بهبود پیدا می‌کند و رکود در مسیر بهبود می‌افتد. می‌دانیم در فرصت محدود چهارساله دولت نمی‌تواند از مسیر بنگاه‌های بزرگ میزان شغل‌های مورد نیاز به شغل کشور را تأمین کند. چون زمان رسیدن این حجم نتیجه بسیار طولانی است. موضوع دوم نشان می‌دهد ایران اکنون چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار دانش‌جو دارد و هر سال حدود یک میلیون نفر فارغ‌التحصیل می‌شوند.

وزارت ارتباطات و دولت نیست، کم‌اینکه روز گذشته قبل از اعلام وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات انجام شده است.

خرید هواپیما «میتسوبیشی» فعلا منتفی است

ایسنا؛ قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در امور بین‌الملل اعلام کرد فعلا خرید هواپیماهای شرکت میتسوبیشی زاین متوقف شده و برنامه‌ای برای آن وجود ندارد.
اصغر فخریه‌کاشان با بیان این مطلب اظهار کرد: در ماه‌های گذشته بسیاری از شرکت‌های ایرانی مذاکرات خود را با شرکت‌های هواپیماسازی بین‌المللی آغاز کردند که نهایی‌شدن قراردادهای خرید هواپیما از سوی ایران‌ایر با شرکت‌های ایرباس بوئینگ حاصل این مذاکرات است، همچنین در کنار آن شرکت آسمان توانسته مذاکرات انجام دهد.
به گفته قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی هرچند هنوز مذاکرات دیگر ایرلاین‌ها برای خرید هواپیما به نتیجه نرسیده، اما شرایط برای رسیدن به توافق نهایی همچنان بررسی می‌شود و امیدواری‌های زیادی در این زمینه وجود دارد.